



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

مشخصات لایحه:

دوره یازدهم - سال چهارم

شماره ثبت:

۹۰۱

شماره چاپ:

—

تاریخ چاپ:

—

مشخصات گزارش:

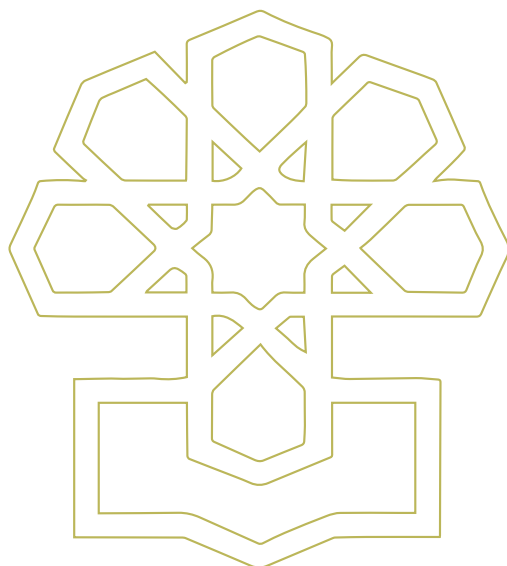


شماره مسلسل:

۲۴۰۱۹۴۲۹

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۹/۱۲



اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه موافقت نامه معاضدت حقوقی دوجانبه در امور کیفری بین

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان»



محمد آدمی

مقدمه

لایحه «موافقتنامه معاضدت حقوقی دوجانبه در امور کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان» که در تاریخ ۱۴۰۲/۱/۲۷ به تصویب هیئت وزیران رسیده است در تاریخ ۱۴۰۲/۲/۱۲ از سوی دولت جهت طی تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی ارسال شده است. کشورهای که ارتباطات گسترده‌ای با یکدیگر دارند، به صورت معمول با انعقاد موافقتنامه‌های متعددی از قبیل اقتصادی، فرهنگی و غیره سطح همکاری‌های بین خود را ارتقا می‌دهند. یکی از موافقتنامه‌هایی که در این راستا قابل ذکر است معاهدات دوجانبه همکاری حقوقی است که به چند دسته تقسیم می‌شوند که از جمله آنها می‌توان به معاهدات استرداد محکومین، انتقال محکومین و سازوکارهای همکاری حقوقی و قضائی مانند آموزش نیروهای انسانی اشاره کرد. این معاهدات وضعیت این مسئله را که آیا باید همکاری حقوقی و قضائی در میان دو کشور صورت بگیرد و در صورت مثبت بودن پاسخ، این موضوع را که سطح همکاری باید تا چه میزان باشد تعیین می‌کنند. در واقع برای نیل به اهداف انعقاد این قبیل موافقتنامه‌ها، کشورهای طرف چنین معاهداتی باید بتوانند به قابل اتکا بودن، توانایی و کارکرد سیستم حقوقی یکدیگر اطمینان نمایند. در همین راستا جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان با تنظیم موافقتنامه معاضدت حقوقی در امور کیفری به دنبال فراهم ساختن زمینه معاضدت در امور کیفری در دو کشور هستند.

احمد حکیم‌جوادی (ناظر علمی)، فاطمه سلیمانی پورلک (اظهار نظر کننده)، زهره عطاردی (ویراستار ادبی)، گرافیکست و صفحه‌آرا (نرجس امیراحمدی)



تحلیل انواع موافقت‌نامه‌های حقوقی-قضایی

در ابتدا لازم به نظر می‌رسد که گونه‌شناسی موافقت‌نامه‌های همکاری حقوقی و قضایی را روشن کنیم تا جایگاه لایحه «موافقت‌نامه معاضدت حقوقی دوجانبه در امور کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان» مشخص گردد:

۱ معاهدات راجع به استرداد مجرمین و متهمین: در اینگونه از معاهدات، شخصی، به واسطه رفتار مجرمانه‌ای که در یک کشور انجام داده است و یا متهم به ارتکاب آن است و در سرزمین کشور دیگری حضور دارد مورد تقاضای استرداد قرار می‌گیرد. در واقع در این نوع معاهدات، شخص مورد نظر در کشور محل ارتکاب، تحت تعقیب قرار گرفته است و یا حتی حکمی علیه وی صادر شده است اما به هر دلیل از حوزه صلاحیت این کشور خارج شده است. در این حالت، کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه، از کشور محل حضور مرتکب عمل یا متهم به ارتکاب آن، تقاضای استرداد این شخص را می‌نماید. در این نوع از معاهدات، کشور تقاضا شونده ارائه اسنادی مانند حکم بازداشت و یا حکم قطعی، اسناد مثبت جرم و اطلاعات دیگری را مطالبه می‌کند تا بتواند از ادعای مورد نظر اطمینان حاصل کند. در واقع «استرداد یک فرآیند رسمی است که طی آن دولتی از دولت دیگر می‌خواهد که شخص مورد تقاضای وی و یا فرد متهم و یا محکوم به ارتکاب یکی از جرائم ناقض قوانین کشور تقاضاکننده را به این کشور تحویل دهد. بازگرداندن شخص مورد تقاضا، به این دلیل درخواست می‌شود که آن شخص به واسطه جرم و یا جرایمی که مرتکب شده است در کشور تقاضاکننده موضوع دادرسی و یا مجازات قرار گیرد.» موافقت‌نامه‌های دوجانبه استرداد متهمین و محکومین از قدیمی‌ترین معاهدات در حقوق بین‌الملل هستند و تاریخ انعقاد برخی از آنها به سال‌های پایانی قرن نوزدهم می‌رسد.

۲ معاهدات راجع به انتقال محکومین: در این نوع معاهدات، شخصی در سرزمین یک کشور مرتکب رفتار مجرمانه‌ای می‌شود. این شخص تبعه کشور محل ارتکاب رفتار مجرمانه نیست؛ این رفتار مجرمانه در آن کشور مورد رسیدگی قرار گرفته و در نتیجه مرتکب، به حبس محکوم می‌شود. کشور متبوع شخص محکوم، به واسطه داشتن علقه سیاسی-حقوقی با آن شخص، متقاضی تحویل وی به خود می‌باشد تا آن شخص مدت زمان محکومیت خود را در زندان‌های کشورش سپری کند. بر این اساس، معمولاً در اینگونه از موافقت‌نامه‌ها، محکوم می‌تواند در صورت وجود شروط دیگر رضایتش را برای انتقال به دولت متبوعش برای سپری کردن محکومیت حبسش اعلام کند. البته در صورت اعلام رضایت شخص محکوم، پذیرش انتقال وی همچنان منوط به اعلام رضایت کشور صادرکننده حکم و کشور اجراکننده حکم است. در واقع محکوم، حق ارائه درخواست را دارد ولی کشورهای صادرکننده حکم و اجراکننده آن مکلف به پذیرش چنین درخواستی نمی‌باشند و اعلام رضایت آنها به‌عنوان عنصری ضروری از فرآیند تحقق انتقال می‌باشد.

بر اساس آنچه که بیان شد، تفاوت‌های اساسی بین دو نوع معاهده اول و دوم به چشم می‌خورد: اولاً در معاهدات نوع اول کسب رضایت مجرم یا متهم در امر استرداد شرط نیست در حالی که در معاهدات دسته دوم، رضایت شخص محکوم در امر انتقال تأثیرگذار است. ثانیاً تفاوت عمده دیگری که بین این دو معاهده وجود دارد مسئله نظم عمومی است. در معاهدات نوع اول، واقعیت آن است که نظم عمومی کشور متقاضی استرداد نقض شده است در حالی که در معاهدات نوع دوم نظم عمومی کشور صادرکننده حکم نقض شده است. ثالثاً هدف از معاهدات گونه اول تأمین نظم و امنیت کشور متقاضی استرداد است در حالی که در معاهدات نوع دوم بیشتر منافع و مصالح شخص محکوم مورد توجه است.

۳ معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور کیفری: این نوع موافقت‌نامه‌ها برای ردیابی متهمان و یا محکومان، تبادل اطلاعات راجع به جرائم، مجرمین و یا مشارکت در تحقیقات مقدماتی رسیدگی‌های قضائی منعقد می‌شوند. برای مثال می‌توان به ماده (۹) کنوانسیون مبارزه با رشوا و ارتشا مقامات عمومی خارجی در بازرگانی بین‌المللی اشاره کرد که عنوان می‌کند کشورها می‌توانند برای به‌دست آوردن اطلاعات و مدارک از طریق معاهدات همکاری قضائی دوجانبه وارد عمل شوند. در واقع هدف اصلی این نوع از معاهدات آن است که مقامات مجری قانون بتوانند مدارک و دیگر اقدامات شکلی لازم در خارج از کشور را به‌نوعی که در دادگاه‌های کشور تقاضاکننده قابل پذیرش است تدارک ببینند.

۴ معاهدات معاضدت‌های قضایی در امور مدنی: این معاهدات بیشتر در قالب معاهدات آموزش نیروها، نگارش و تدوین پیش‌نویس قوانین، شناسایی آرای محاکم، ابلاغ اوراق قضائی، جلب نظر کارشناس و... منعقد می‌شوند. چنانچه از عنوان لایحه مورد بررسی در گزارش حاضر بر می‌آید، موضوع این موافقت‌نامه «معاضدت حقوقی در امور کیفری» است و نه «انتقال محکومین» و یا «استرداد مجرمین» لذا آنچه در ذیل معاهدات نوع سوم عنوان شد می‌بایست در خصوص این لایحه مورد توجه قرار گیرد.



مطابق با مقدمه موافقتنامه، یکی از اهداف آن، گسترش مناسبات دو کشور و ارتقای سطح همکاری دوجانبه و تحکیم مناسبات میان دو طرف برای تسهیل فرآیند تحقیق و تعقیب جرائم است.

اهمیت لوائح این چنینی به واسطه فراهم‌سازی امکان تهیه مدارک و مستندات مربوط به جرمی است که به‌نحوی متأثر از یک عنصر بین‌المللی است و لازم می‌باشد. برای آنکه بتوان مظنونین و متهمین را به‌صورت مناسب محاکمه نمود می‌توان از کشوری دیگر مدد جست تا برخی از اقدامات را در فرآیند قضائی به عمل آورد. به‌عبارت دیگر این موافقتنامه در صورت اجرا سبب خواهد شد تا دو طرف با فراهم شدن مستندات و ادله کافی برای محاکمه نمودن مجرم، حاکمیت ملی خود را تحکیم بخشند و اجرای عدالت را در خصوص مجرم و احیاناً قربانیان جرم ارتکاب یافته، محقق نمایند. همان‌طور که پیشتر عنوان شد لایحه پیش‌رو مربوط به معاضدت حقوقی در امور کیفری است لذا در اینجا مفاهیمی از جمله نقض قوانین کشور درخواست‌کننده، جمع‌آوری ادله توسط کشور درخواست‌شونده، انجام تحقیقات و معاینه محل، ابلاغ اوراق قضائی و همکاری کشور درخواست‌شونده... مطرح است.

مطابق با فلسفه‌ای که برای انعقاد این موافقتنامه توسط دولت‌های طرف آن اعلام‌شده، فرض بر این است که دولت‌ها به یکدیگر کمک می‌نمایند تا طرف مقابل بتواند ادله لازم و مستندات مربوط به جرایمی را که مجرمی در کشورش مرتکب شده، برای اجرای عدالت تحصیل نماید. از آنجایی که صرف انعقاد و تصویب چنین معاهداتی برای عملیاتی شدن آنها کافی نیست و اجرایی شدن آن مستلزم توجه و پیگیری مستمر طرف‌های آن نسبت به درخواست‌های معاضدت آتی می‌باشد لذا انتخاب دستگاهی دولتی برای این پیگیری‌ها لازم است. از این رو، مطابق با ماده ۳ موافقتنامه، وزارت دادگستری از جانب جمهوری اسلامی ایران مقام مرکزی اجرای موافقتنامه تعیین شده‌است. البته این نهاد در واقع به‌نوعی هماهنگ‌کننده و انجام‌دهنده اقدامات شکلی و نقطه تماس تلقی می‌شود و این امر مانعی برای صلاحیت‌های مراجع قضائی کشور نیست.

ارزیابی لایحه و پیشنهادات

۱ این موافقتنامه به‌جهت ارتقای سطح روابط و همکاری‌های دوجانبه بین دو کشور مسلمان و در جغرافیای فرهنگی واحد از اهمیت فراوانی برخوردار است. تاجیکستان در حوزه تمدنی ایران و به‌لحاظ تاریخی ادامه فرهنگ ایرانی به‌شمار می‌آید. بنابراین، معاهده‌سازی با این کشور در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه معاضدت حقوقی در امور کیفری بسترساز گسترش همکاری در سایر حوزه‌های موضوعی خواهد بود. به این تحلیل می‌باید وضعیت خاص ایران از حیث تحریم‌های ظالمانه آمریکا را افزود. از آنجا که هدف تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا حداکثرسازی فشار بر ایران و منزوی‌سازی سیاسی کشورمان در صحنه بین‌المللی است، طبعاً معاهداتی از این قبیل می‌توانند تا حد زیادی راهگشا باشند. به این معنا که همکاری در یک حوزه موضوعی مانند موضوعات حقوقی و قضائی می‌تواند منجر به تشویق و ترغیب طرفین به همکاری در حوزه‌های موضوعی سیاسی و اقتصادی نیز گردد. علاوه بر این باید توجه داشت که همکاری‌های بین‌المللی در حوزه‌های قضائی نشان‌دهنده میل به همگرایی بلندمدت بین کشورهای متعاقد نیز می‌باشد.

افزون بر این، همگرایی که اخیراً در روابط تهران-دوشنبه حاصل‌شده، فرصت مغتنمی است که به‌واسطه انعقاد موافقتنامه‌های مختلف همچون موافقتنامه معاضدت حقوقی در امور کیفری بسط یافته و زمینه بروز و ظهور گسترده‌تری می‌یابد. در عین حال که به نظر می‌رسد به جریان افتادن لایحه موردبحث در روند اداری تصمیم‌گیری و تقنینی محصول تنش‌زدایی در روابط جمهوری اسلامی ایران و تاجیکستان باشد، اما خود تعمیق‌کننده روابط دوجانبه فی‌مابین نیز خواهد بود.

۲ بند ۲ از ماده ۱ چنین مقرر داشته است: «طرف‌های متعاقد در زمینه اجرای قطعی صادره علیه...». در این خصوص باید بیان داشت که با توجه به متن انگلیسی موافقتنامه تعبیر صحیح مورد نظر این بند به شرح زیر است: «طرف‌های متعاقد در زمینه احکام قطعی صادره علیه...». از این رو پیشنهاد می‌شود بند مذکور به‌صورت بالا اصلاح گردد. بر اساس بند ۴ همین ماده، موافقتنامه اثر عطف به ماسبقی دارد و نسبت به فعل یا ترک فعل ارتكابی قبل از لازم‌اجرا شدن خود نیز اعمال خواهد شد.

۳ برخی ایرادات نگارشی و املائی در متن لایحه قابل رؤیت است. از جمله این موارد می‌توان به بندهای ۵ و ۶ ماده ۲ اشاره کرد که به‌ترتیب دارای ایراد عدم درج («) در ابتدای بند ۵ و قید «متن» در بند ۶ به‌جای «منتج» می‌باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود انتهای بند ۱ از ماده ۱۸ نیز به‌صورت زیر اصلاح شود: «... شرایطی که معین می‌کند افشا شود یا مورد استفاده قرار گیرد.»

۴ به نظر می‌آید بند ۴ از ماده ۱۵ نیاز به بازنویسی دارد. از این رو پیشنهاد می‌شود این بند به‌شکل زیر اصلاح شود: «در

موارد مقتضی که اشخاص ثالث با حسن نیت یا قربانیان قابل شناسایی وجود دارد، ملاحظه حقوق آنها نسبت به دارایی‌ها می‌تواند بر تسهیم دارایی‌ها میان طرف‌های متعاقد مقدم باشد».

۵ به نظر می‌رسد قسمت (الف) بند ۱ ماده ۲۱ به صورت صحیح ترجمه نشده است. پیشنهاد می‌شود صدر این بند به شکل زیر بازنویسی شود: «هزینه‌های مربوط به انتقال یک شخص یا بازداشت‌شدگان برای ادای شهادت یا معاضدت به کشور درخواست‌کننده یا از کشور درخواست‌کننده به کشور درخواست‌شونده، با درخواست کشور عضو درخواست‌شونده...».

۶ لازم است تبصره‌ای به شرح زیر به ماده واحده جهت رعایت اصول ۷۷، ۱۲۵ و ۱۳۹ قانون اساسی اضافه شود: «تبصره: رعایت اصول ۷۷، ۱۲۵ و ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اجرای این موافقت‌نامه الزامی می‌باشد».

۷ از جمله ایرادات شورای محترم نگهبان به این نوع موافقت‌نامه‌ها، خلاف شرع تلقی نمودن اطلاق برخی از مواد آنها است که منجر به شناسایی احکام محاکم و مقررات قوانین آیین دادرسی مراجع غیرمسلمان می‌شود. از جمله این موارد می‌توان به ایراد مغایرت با شرع مصوبه «انتقال محکومین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت فدراسیون روسیه» [۱] و مورد راجع به مصوبه «معاهده انتقال محکومین به حبس میان دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری خلق چین» [۲] اشاره کرد. در واقع از آنجا که صدور احکام در دادگاه‌های کشورهای خارجی تابع الزامات محتوایی و شکلی آن کشورها است و از این رو ضرورتاً منطبق بر موازین شرعی نمی‌باشد، لذا بر اساس نظر شورای محترم نگهبان، در موارد مشابه، پذیرش این نوع موافقت‌نامه‌ها، مستلزم پذیرش احکام این دادگاه‌ها است که این امر از دیدگاه شورای محترم نگهبان مغایر با شرع می‌باشد.



۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری



این گونه معاهدات می‌توانند موجب تحرک بخشیدن به دستگاه‌های اجرایی کشور شده و با بهرمندی از نگاهی تطبیقی به نظام‌های حقوقی کشورهای دیگر، خلأهای احتمالی نظام حقوقی ملی را پوشش می‌دهند و در عین حال موجبات تسهیل مرادات دو کشور و اتباع آنها را نیز فراهم می‌آورند. انعقاد چنین معاهداتی موجب پررنگ‌تر شدن همکاری‌های دوجانبه و کمک اساسی به اجرا و اعمال قوانین کیفری می‌شود لذا از این منظر مفید و مؤثر تلقی می‌گردد. مطابق با آنچه بیان گردید تصویب موافقت‌نامه فوق با اعمال اصلاحاتی که در متن گزارش به آنها اشاره شده است و با درج تبصره‌ای ذیل ماده واحده مبنی بر رعایت اصول ۷۷، ۱۲۵ و ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در خصوص اجرای این موافقت‌نامه، بلامانع می‌باشد.



منابع و مآخذ



1. <http://nazarat.shorarc.ir/Forms/frmShenasname.aspx?id=VALN7hc5nEs=&TN=I7tLyhyO-obj0SooAFUE3m68PnpG7MruN&MN=csaqpt/F9Oo=>.
2. <http://nazarat.shorarc.ir/Forms/frmShenasname.aspx?id=h+Su6uqYaFM=&TN=I7tLyhyO-obj0SooAFUE3m68PnpG7MruN&MN=csaqpt/F9Oo=>

گزیده سیاستی

تصویب موافقت‌نامه معاضدت حقوقی دوجانبه در امور کیفری بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری تاجیکستان با رعایت اصلاحات ترجمه‌ای و نگارشی و با درج تبصره‌ای جهت رعایت اصول ۷۷ و ۵۲۱ و ۹۳۱ قانون اساسی بلامانع می‌باشد.

